



University of qom

Observing Moderation between Idealism and Realism in the Issue of Polygyny in Islamic Jurisprudence

Seyed Mahdi Dadmarzi ¹

1. Associate Professor of Law Faculty of University Of Qom, Qom, Iran, Email: m.dadmarzi@qom.ac.ir

Abstract

One of the foundational principles of Islamic teachings in general—and of Islamic jurisprudence (fiqh) in particular—is the observance of moderation and balance in the ethical and legal rights and obligations incumbent upon individuals within the Islamic community, conceived as the “*ummatan wasaʿatan*” (a justly balanced community). With respect to the issue of polygyny, such moderation can be discerned within the Islamic legislative system both through *dalīl al-innī* (inference from effect to cause) and *dalīl al-limmī* (inference from cause to effect). This article seeks, while emphasizing that—according to certain Muslim thinkers and in the lived practice of the majority of Muslims—the normative axis of family formation is permanent monogamous marriage as the ideal model, to demonstrate that a comprehensive consideration of the requisites of social life and due attention to the systemic coherence of Islamic law as an integrated and holistic legal order necessitate acknowledging the permissibility of polygyny, with its specific juristic parameters, as a realistic legal proposition. Human experience—particularly in the modern West, especially in light of seventy years of social developments following the sexual revolution—clearly indicates that Western non-Muslim societies, by prohibiting polygyny while simultaneously moving toward widespread sexual permissiveness, have inflicted greater harm upon the institution of monogamy than the marginal practices of some Muslims in Islamic societies where polygyny is legally sanctioned. This trajectory, in turn, has contributed to significant disruptions in the equilibrium of family life and has generated profound crises in familial relations.

Keywords: Polygyny, Polygamy, Monogamy, Family Jurisprudence, Revealed Justice.

Received: 18/12/2025; Revised: 15/01/2026; Accepted: 02/02/2026; Published online: 16/03/2026

How To Cite: Dadmarzi, SM (2025). Observing Moderation between Idealism and Realism in the Issue of Polygyny in Islamic Jurisprudence. *Private Law Doctrines of Islamic Countries*, 2(4), 45-68. <https://www.doi.org/10.22091/DPLIC.2026.15599.1097>

Published by: University of Qom

©The Author(s)

Article type: Research





رعایت اعتدال میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در مسئله تعدد زوجات در فقه اسلام

سید مهدی دادمرزی^۱

۱. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: m.dadmarzi@qom.ac.ir

چکیده

یکی از بنیان‌های آموزه‌های اسلام به‌طور عام و فقه اسلام به‌گونه خاص، رعایت اعتدال در حقوق و تکالیف اخلاقی و حقوقی متوجه انسان در جامعه اسلامی به‌عنوان «امت وسط» است. در مورد مسئله تعدد زوجات نیز هم به برهان آن و هم به برهان لم می‌توان چنین اعتدالی را در نظام تقنینی اسلام ملاحظه نمود. در این مقاله تلاش کرده‌ایم تا در عین تأکید بر اینکه محور در تشکیل خانواده در نظر پاره‌ای اندیشمندان اسلام و عمل توده مسلمانان بر «ازدواج دائم تک همسرانه» به‌عنوان الگوی ایدئال در تشکیل خانواده است؛ نشان دهیم که نگاه همه‌جانبه به ملزومات زندگی اجتماعی و توجه داشتن به مقتضیات نظام حقوقی اسلام به‌عنوان یک کل جامع‌نگر، اقتضا دارد تا از جواز تعدد زوجات با مختصاتی که در فقه اسلامی دارد به‌عنوان گزاره‌ای واقع‌بینانه نیز غافل نشویم. تجربه بشری - به‌ویژه بشر غربی خصوصاً با برخورداری از هفتاد سال بازخورد سال‌های بعد از انقلاب جنسی - به خوبی آشکار می‌سازد که کشورهای غیر اسلامی غربی با ممنوع کردن تعدد زوجات و قرار گرفتن در مسیر فحشاء، بیش از رفتار حاشیه‌ای پاره‌ای مسلمانان در جوامع اسلامی که تعدد زوجات را تجویز کرده‌اند به تک‌همسری ضربه زده‌اند و تعادل در مناسبات زندگی خانوادگی را دستخوش بحران نموده‌اند.

کلید واژگان: تعدد زوجات، چندهمسری، تک‌همسری، فقه خانواده، عدالت و حیانی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۰/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۲/۲۵
استناد: دادمرزی، سید مهدی. (۱۴۰۴). رعایت اعتدال میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در مسئله تعدد زوجات در فقه اسلام. *آموزه‌های حقوق خصوصی کشورهای اسلامی*. ۴۵-۶۸. (۴).
<https://www.doi.org/10.22091/DPLIC.2026.15599.1097>



مقدمه

یکی از بنیان‌های آموزه‌های اسلام به‌طور عام و فقه اسلام به‌گونه خاص، رعایت اعتدال در حقوق و تکالیف اخلاقی و حقوقی متوجه انسان است. با همین تلقی است که گفته می‌شود: خداوند تعالی در نظام جعل و تشریح قوانین، همواره اصل عدالت را رعایت کرده است. امری که به نوبه خود بر اساس حکمت و علم خداوند به نیازهای انسان است^۱ و ریشه در نگاه توحیدی اسلام دارد که وصف عدالت را در کنار علم و حکمت از اوصاف پروردگار عالم به‌عنوان «رب‌العالمین» معرفی می‌نماید. امام خمینی (ره) نیز عدالت‌ورزی پروردگار در تکوین و تشریح را مقتضای ذات حق تعالی دانسته و تأکید می‌کند: اقتضای فیض وجود حق تعالی و بسط آن، رساندن هر موجودی به کمال لایق خود و اعطای هر صاحب حقی به حق خود است (خمینی (ره)، ۱۳۷۲: ۵۵). اهمیت مسئله تا به آن اندازه است که شیعیان، عدل الهی را از اصول پنجگانه دین و یا دست کم از اصول مذهب می‌دانند (ری‌شهری، ۱۳۸۶: ج ۸، ۹۹؛ جمعی از محققان، ۱۳۸۶: ۳۳۴)؛ چنان‌که معتزلیان نیز عدل را اصل دوم از اصول دین خود قرار داده‌اند. البته باید توجه داشت که این اعتدال با عدالت‌ورزی‌های عرفی و حتی عقلائی که مبتنی بر شناخت عقلی محض نبوده، بر اساس اشراف به تمام زوایای وجودی انسان مبتنی نیست و آمیخته با آداب و رسوم و عرف‌های بشری است تفاوت دارد.^۲

اشاره قرآن به «وسط» بودن امت اسلامی در آیه «و كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (سوره بقره، آیه ۱۴۳) و همسو با آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ.» (سوره فاطر، آیه ۳۲)^۳ می‌تواند ناظر به همین اعتدال یاد شده قلمداد شود. پاره‌ای از اندیشمندان اسلامی نیز صریحاً مراد از «امت وسط» در آیه یاد شده را دین اسلام به‌عنوان دینی معتدل و به دور از افراط و تفریط دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۵). در این صورت شاید بتوان گفت به ملاحظه پابندی امت به چنین دینی است که قرآن کریم، این وصف را به امت نسبت داده است و به تعبیر شهید مطهری: «این اعتدال، دست‌پرورده تعالیم وسط و معتدل است.» (مطهری، ۱۳۸۴: ج ۳، ۱۶۳).

۱. ر.ک: https://fa.wiki.khomeini.ir/wiki/علم_الهِی

۲. مرحوم استاد کاتوزیان با خلط عدالت عرفی و عدالت عقلی؛ حکم قرآنی دو برابر بودن ارث اولاد ذکور نسبت به اولاد اناث را مغایر عدالت می‌داند که به جهت ترجیح رعایت فرهنگ دینی جامعه بر رعایت عدالت؛ از مقبولیت برخوردار است (ر.ک: کاتوزیان، ناصر، مجموعه گفتگوهای هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان؛ الویت‌ها و رویکردها، ص ۱۶۷-۱۶۹، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم: ۱۳۸۰).

۳. فاطر، ۳۲. «ترجمه: سپس آیین کتاب [آسمانی] را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم [اما] از میان آن‌ها عده‌ای بر خود ستم کردند و عده‌ای میانه‌رو بودند و گروهی به اذن خدا در نیکی‌ها [از همه] پیشی گرفتند و آیین، همان فضیلت بزرگ است.»

حقیقت آن است که بنیان وحیانی آموزه‌های حقوق خانواده در اسلام و نظام قانونی بر آمده از آن در کشورهای مسلمان متعهد به این آموزه‌ها، چنان استوار است که نباید با تسلیم در برابر موج‌های تحمیلی یا ترویجی جریان‌های اومانیستی، از داشته‌های حقوق بومی خود غافل شویم و آینده خود و نسل‌های بعدی را به دست روند آزمون و خطای عقل ابزاری آن هم در عرصه‌هایی چنین مهم از حیات بشری بسپاریم. به راستی چگونه است که حکومت نظام اتقن و معتدل خالق حکیم بر مناسبات مادی زمین و موجودات آن و کرات دیگر و پهنه بی‌کران فضا، موجب کرنش بسیاری از دانشمندان برجسته علوم تجربی است؛ اما پذیرش نظام‌ها همان خالق در دیگر عرصه‌های حیات تا این اندازه بر گروهی از دانشیان بعضاً مسلمان علوم انسانی سنگین می‌آید؟! آیا این همه هزینه تراشیدن به سبب سرسپردگی به فرآیند آزمون و خطا و بی‌اعتنا به آموزه‌های وحی در تمام عرصه‌های فردی و جمعی زندگی بشر معقول می‌نماید؟ جواب نسل‌هایی از بشر را که با همین نسخه‌های دائم در معرض نسخ و تغییر توانستند از فرصت عمر محدود مادیشان برای نیل به کمال مطلوبی که خالق علیم و حکیم برایشان در نظر گرفته و راه وصولش را نمایان ساخته است بهره ببرند چه کسی باید بدهد؟!

در مورد مسئله تعدد زوجات نیز هم به برهان لم و هم به برهان ان می‌توان چنین اعتدالی را در نظام تقنینی اسلام ملاحظه نمود. در حقوق و شریعت اسلام برخلاف پاره‌ای آموزه‌های ادیان توحیدی در اشکال موجود آن مانند مسیحیت یا غیرتوحیدی مانند بودیسم،^۱ همان‌طور که ازدواج، امری مقدس است و می‌تواند موجب قرب بنده به پروردگار باشد: «شهووت جنسی (نیز) مقدس است و نباید بر اساس معیارهای مسیحی درباره‌اش داوری کرد.» (نصر، ۱۳۹۲: ۹۸). حتی گفته شده است که: «ازدواج‌های متعدد پیامبر (ص)، نه تنها به هیچ وجه حاکی از ضعف او در برابر «نفس اماره» نیست، بلکه رمز سرشت مردانه و وظیفه اوست، نه به‌عنوان قدیسی که از دنیا دست می‌شوی، بلکه به‌عنوان کسی که با زیستن در دنیا و قبول آن با هدف متحد ساختنش با یک مرتبه بالاتر از واقعیت، نفس زندگانی این جهانی را قداست می‌بخشد.» (نصر، ۱۳۹۲: ۹۸).

تجربه بشری به‌ویژه بشر غربی خصوصاً با برخورداری از هفتاد سال بازخورد سال‌های بعد از انقلاب جنسی، به خوبی صدق این گفته را که بیش از نیم قرن از اظهار آن می‌گذرد آشکار می‌سازد: «ملت‌هایی که در مسیر فحشا قرار گرفته‌اند بیش از ملت‌هایی که تعدد زوجات را تجویز کرده‌اند به تک‌همسری ضربه زده‌اند» (مطهری، ۱۳۶۹: ۴۲۹). یکی از محققین حوزوی دانشگاهی و مؤلف اثری مفید در بررسی فقهی مواد قانون مدنی در حوزه خانواده، از این واگرایی با تأکید به مقطع پیش از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران، به «تقلب تاریخی» تعبیر کرده و می‌نویسد: «برخورد تاریخی با تأسیسات و نهادهای مربوط به خانواده خصوصاً در دهه‌های اخیر مقبول و منصفانه نبوده است، به صورتی که تأسیساتی نظیر خواستگاری، مهریه، جهیزیه، متعه، طلاق و...

در سایه تبلیغات سوء، به صورت رسوم و قواعدی قرون وسطایی و منسوخ معرفی شده است. در جریان آیین گونه تقلبات تاریخی عمدتاً دو عنصر اساسی ذی‌مدخل بوده است؛ اول اعمال کسانی که آیین گونه قوانین شریعت را که متناسب با نیاز فطری و عاطفی و طبیعی انسانی بوده وسیله‌ای برای اجرای هواهای نفسانی و شهوات خویش قرار داده بودند؛ و دوم از خود بیگانگی و غرب‌زدگی از فرنگ برگشتگانی که در مواجهه با مظاهر فریب تمدن مغرب زمین یکباره کلیه سنت‌های زیبای اصیل و ملی و مذهبی خود را فراموش کرده‌اند؛ آنانی که اشتیاق زده به آستان‌پرستی ضد ارزش‌های غربی و عتبه‌بوسی تماشاخانه‌های فرنگ رفته بودند. (محقق داماد، ۱۳۶۵: ۱۶-۱۷).

در این مقاله تلاش کرده‌ایم تا در عین تأکید بر اینکه محور در تشکیل خانواده در نظر پاره‌ای اندیشمندان اسلام و عمل توده مسلمانان بر «ازدواج دائم تک همسرانه» است؛ نشان دهیم که نگاه همه‌جانبه به ملزومات زندگی اجتماعی و توجه داشتن به مقتضیات نظام حقوقی اسلام به‌عنوان یک کل جامع‌نگر، اقتضا دارد تا از جواز تعدد زوجات نیز غافل نشویم؛ به عبارت دیگر خواسته‌ایم نشان دهیم که در مجموعه نظام حقوق خانواده اسلام، هم اصول آرمان‌گرایانه به‌عنوان تأمین‌کننده کمال مطلوب و هم اصول و گزاره‌های واقع‌بینانه تکمیلی به‌عنوان فراهم‌آورنده اصل مطلوب؛ هر دو به‌عنوان احکام اولیه، سازنده چنین نظامی و اعتدال بخش به گزاره‌های تعبیه شده در آن هستند (کرمی و سجادی‌امین، ۱۳۸۹: ۸۵-۱۳۲).

۱. مفهوم تعدد زوجات

تعدد از ریشه «ع، د، د» و به معنای بیش از یکی، فراوانی و عدد بسیار است (الفیومی، بی‌تا: ج ۲، ۳۹۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۳، ۲۸۱-۲۸۲؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۵، ۶۸۰۲) و زوجات، جمع زوجه به معنای همسر است (حسینی زبیدی واسطی، ۱۴۱۴ ق: ج ۳، ۳۹۵؛ الفیومی، بی‌تا: ج ۲، ۲۵۹؛ طریحی، ۱۴۱۶ ق: ج ۲، ۳۰۸). اینکه مشاهده می‌شود در مواردی جمع زوجه را زَوَجات گفته‌اند خطا است (معین، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۷۵۹). البته «زوج» نیز به معنای جفت (در مقابل فرد) (لسان‌العرب، ۱۴۱۴ ق: ج ۶، ۱۰۷؛ جوهری، ۱۴۱۰ ق: ج ۱، ۳۲۰)، عبارت از دو چیز همراه و قرین است؛ چه مماثل باشند، مانند دو چشم و دو گوش و چه متضاد، مانند شب و روز (ابن‌اثیر، بی‌تا: ج ۲، ۳۱۷؛ راغب، ۱۴۱۲ ق: ۳۸۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۴، ۳۱۴).

گاهی نیز واژه زوج در معنای فرد، به شرط داشتن قرین، به کار رفته است (لابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۶، ۱۰۷؛ جوهری، ۱۴۱۰ ق: ج ۱، ۳۲۰). بر این اساس، به هریک از زن و شوهر، «زوج» و به هر دوی آنها «زوجین» اطلاق می‌شود؛ چنان که در قرآن آمده است: «وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى» (سوره نجم، آیات ۵۳-۴۵). همچنین با آنکه به کار بردن دو واژه زوج و زوجه، برای زن صحیح است؛ ولی قرآن کریم در مقام صیغه جمع در

مورد زن به‌عنوان همسر، همه‌جا واژگان «زوج و ازواج» را به جای «زوجه و زوجات» به کار برده است (سوره بقره، آیات ۳۵، ۱۰۲، ۲۴۰، ۲۳۴؛ سوره احزاب، آیات ۲۸، ۵۰، ۵۹ و...؛ صادقی فدکی، ۱۳۸۸: ج ۷، ۶۱۲).^۱

«تعدد زوجات» ترکیب مصطلح عربی که استعمال آن در فارسی نیز شایع است یا تعبیر غیر شایع «متعدد الزوجات»؛ به معنای داشتن علقه زوجیت توسط یک شوهر به گونه هم‌زمان با بیش از یک زن است. البته گفته شده: «تعدد زوجات» در اصطلاح فقه و حقوق عبارت است از متعدد بودن همسران دائم مردی در یک زمان (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ج ۲، ۵۲۵؛ انوری، ۱۳۸۱: ج ۳، ۱۷۸) که باید گفت: مقید کردن آن به زوجیت دائم شاید از جهت متفاهم عرفی درست باشد؛ اما به‌عنوان معنای یک اصطلاح، محل تأمل است. در زبان فارسی اگرچه به کار بردن «چندهمسری» برای تعدد زوجات معمول است (دهقانی و صادق‌پور، ۱۴۰۰: ۱۵۱). اما چندان دقیقی نیست؛ زیرا واژه «چندهمسری» به دلیل اطلاق همسر بر زوج و زوجه نمی‌تواند معنای یاد شده را برساند. از همین جاست که می‌بینیم ترکیب چندهمسری اصطلاحی عام قلمداد می‌شود که اشکال مختلفی از چند شوهری تا چند زنی را در بر می‌گیرد (مطهری، ۱۳۸۴: ج ۱۹، ۲۹۹-۳۰۳).^۲

معادل تعدد زوجات در انگلیسی Bigamy و Polygamy گزارش شده است؛ با این تفاوت که اولی بر داشتن دو همسر به‌طور هم‌زمان دلالت دارد و دومی بر بیش از دو همسر. به عبارتی «بیگامی» را می‌توان دو همسری و «پلی‌گامی» را چندهمسری نامید. در واقع، «بیگامی» نوعی از «پلی‌گامی» است. در کشورهایی که چندهمسری قانونی است معمولاً از اصطلاح کلی‌تر «پلی‌گامی» یا زیرشاخه‌های آن استفاده می‌شود. باین‌حال برای رساندن معنای تعدد زوجات به معنای پیش‌گفته که در حقوق اسلامی نیز مطرح است واژه Polygyny دقیق‌تر است، چراکه اصطلاح Polygamy به هر شکلی از داشتن چند همسر اشاره دارد؛ خواه یک زن، دارای چند شوهر و یا یک مرد، دارای چند زن باشد. در برابر واژگان انگلیسی یاد شده؛ Monogamy قرار دارد که به معنای «تک‌همسری» است. برخی اشکال دیگر چندهمسری از جمله «چند شوهری» بسیار نادر گزارش شده است. در خصوص «ازدواج اشتراکی» نیز گفته شده که جز در میان برخی اقوام بدوی، مانند اقوام ساکن تبت، بروز نداشته و عملاً از میان رفته است (دورانت، ۱۳۳۷: ج ۱، ۴۹-۵۰). با این وصف، در دوران معاصر نیز مواردی از ازدواج تا امتزاج جنسی اشتراکی در دوران اولیه حاکمیت کمونیسم با عنوان «کمونیسم جنسی» در شوروی سابق و یا پاره‌ای کیوتص‌ها مطرح شده است (مطهری، ۱۳۸۴: ج ۱۹، ۲۹۹-۳۰۰-۳۱۲). در هر حال از میان مصادیق چندهمسری بر پایه ازدواج، فقط چندزنی یا تعدد زوجات است که همچنان ادامه یافته است.

۱. ر.ک: <https://quran.isca.ac.ir/fa/Article/Detail/8397>

۲. مرحوم شهید مطهری چندهمسری را معادل زوجیت اشتراکی معرفی و کمونیسم جنسی، چند شوهری و بالاخره تعدد زوجات را از اقسام چندهمسری به شمار می‌آورد (به نظر می‌رسد از آنجا که اطلاق همسر یا شوهر حتی در عرف عام نیز ازدواج پایه است؛ لذا در جایی که امتزاج جنسی زن و مرد بدون ازدواج باشد نباید آن را از مصادیق چندهمسری محسوب داشت؛ ر.ک: اصل ۴).

۲. موقعیت رجحان تک‌همسری در اندیشه اسلامی و سیره مسلمانان

رجحان تک‌همسری بر چندهمسری نیز از دیدگاه پاره‌ای از اندیشمندان اسلامی قدیم و معاصر، جزو آموزه‌های قابل اشاره در نظام حقوق خانواده اسلام بوده و از دیرباز امری راجح و شایع در زیست جوامع مسلمان دانسته می‌شود. وضوح عینی این مسئله تا به آن اندازه است که مرحوم شهید مطهری «تک‌همسری» را طبیعی‌ترین فرم زناشویی می‌داند (مطهری، ۱۳۸۴: ج ۱۹، ۲۹۹). از تحقیقات استاد مطهری با توجه به روح کلی حاکم بر نصوص شرعی و همچنین احکام خانواده، می‌توان پی برد که از نظر ایشان آرمان خانواده، وحدت و یکپارچگی در زندگی زناشویی است که این امر با تک‌همسری بهتر تحقق پیدا می‌کند. ایشان صراحتاً می‌نویسد: «در مشرق اسلامی پیش از آنکه آداب و رسوم غربی رایج گردد نود درصد مردان، تک‌همسر واقعی بودند؛ نه بیش از یک زن شرعی داشتند و نه با رفیقه و معشوقه سرگرم بودند. زوجیت اختصاصی به مفهوم واقعی کلمه بر اکثریت قریب به اتفاق خانواده‌های اسلامی حکمفرما بود» (مطهری، ۱۳۸۴: ج ۱۹، ۳۴۱). همان‌طور که قبلاً نیز خاطر نشان کردیم ایشان تأکید می‌کند: «مسئله این نیست که آیا تک‌همسری بهتر است یا چندهمسری. در اینکه تک‌همسری بهتر است تردیدی نیست.

تک‌همسری یعنی اختصاص خانوادگی، یعنی اینکه جسم و روح هر یک از زوجین از آن یکدیگر باشد. بدیهی است که روح زندگی زناشویی که وحدت و یگانگی است در زوجیت اختصاصی بهتر و کامل‌تر پیدا می‌شود» (مطهری، ۱۳۸۴: ۳۴۲).^۱ نویسندگانی نیز با الهام از همین نگاه و در راستای تبیین بیشتر آن اظهار داشته‌اند: اصل نخست در نظام خانواده، به تعبیر قرآن کریم، تحقق مودت و رحمت است که این امر با تک‌همسری بهتر تحقق می‌یابد؛ پس اصل در نظام خانواده، تک‌همسری است.^۲ در بین فقها نیز شخصیت بزرگی چون شیخ طوسی در کتاب «خلاف» می‌نویسد: «بجوز ان یتزوج أربعا بلا خلاف و الاستحباب أن لا یزید علی ما یعلم أنه یقوم بها؛ و قال جمیع الفقهاء: یتحب الاقتصار علی واحدة؛ و قال داود: المستحب أن لا یقتصر علی واحد... یعنی جایز است مرد تا چهار زن بگیرد، اما مستحب است تا مرد بر شمار زنانی را که قادر بر تأمین آنان نیست، نیفزاید!» و تمام فقهای [عامه] می‌گویند: «مستحب است مرد بر یک زن بسنده کند!» (البته [فقیه عامی دیگر به نام] داود، داشتن بیش از یک زن را مستحب دانسته است) (طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۱۱۱).

۱ لازم به ذکر است در کتابی انتشار یافته توسط قاضی عالی‌رتبه، به مرحوم شهید مطهری - آن هم بدون ذکر مأخذ - نسبت داده شده است که ایشان فرموده‌اند: «اسلام عزیز با ستم مخالف است و آن‌ها که مدعی اداره دو همسر هستند در واقع نوعی تک‌همسری همراه با ظلم مضاعف را اداره می‌نمایند.» حمیدیان، حسن، حقوق خانواده - مجموعه مقالات، ص ۲۶۸. گذشته از اینکه صدور چنین تعبیری از آن شهید فرزانه که متقن‌ترین مطالب را در دفاع از حکم تعدد زوجات به رشته تحریر در آورده است بعید می‌نماید، با مراجعه به نرم‌افزار «مجموعه آثار استاد شهید مطهری نسخه ۲»، چنین عبارتی یافت نشد!

۲. ر.ک: <https://motahari.ir> فلسفه و شرایط تعدد زوجات از دیدگاه شهید مطهری، الهه هادیان رسانی.

امین اسلام طبرسی نیز در کتاب خود عین همین عبارات را نقل کرده است (طبرسی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۲۸۸).
 با این حال شیخ طوسی در آخرین و مفصل‌ترین کتاب فقهی‌اش یعنی «مبسوط» با عباراتی مختصرتر و متفاوت از «خلاف» چنین اظهار می‌دارد: «يجوز للرجل أن يتزوج أربعاً بلا خلاف والمستحب أن يقتصر على واحدة و قال داود المستحب أن لا يقتصر على واحدة...» (طوسی، ۱۳۸۷ق: ج ۶، ۴). ملاحظه می‌شود که در «مبسوط» بر مستحب بودن تک‌همسری تصریح شده است؛ اما در «خلاف» بر مستحب بودن بسنده کردن به آن تعداد از چهار زن که قادر بر تأمین آن است تنصیح شده است که بسته به توان تأمین کنندگی شوهر، تک‌همسری می‌تواند یکی از مصادیق آن باشد. مضافاً اینکه در مبسوط، دیگر استحباب تک‌همسری را به تمام فقهای عامه نسبت نداده؛ اما همچنان از مخالفت داود با حکم استحباب تک‌همسری و نظر او مبنی بر مستحب بودن تعدد زوجات یاد نموده است.

نکته قابل تأمل اینکه فقهای صاحب نامی چون شهید اول به جای انتساب قول به استحباب تک‌همسری به شیخ طوسی، قول به کراهت تعدد زوجات را به گونه‌ای مطلق به وی نسبت داده‌اند (عاملی (شهید اول)، ۱۴۰۰ق: ج ۱، ۳۸۰). به نظر می‌رسد اطلاق این نسبت شهید را باید به بیان شیخ در مبسوط مستند دانست نه خلاف؛ اما دقیق‌تر آن است که حتی بنا بر ملازمه میان مستحب بودن عملی با مکروه بودن ضد آن؛ قول به استحباب تک‌همسری به شیخ نسبت داده شود نه کراهت تعدد زوجات! به هر حال تقریباً تمام فقهای بعد از شیخ طوسی نظر ایشان مبنی بر استحباب تک‌همسری یا کراهت تعدد زوجات را نپذیرفته‌اند. صاحب‌جواهر با اسناد قول به کراهت اختیار بیش از یک همسر به شیخ طوسی (نه استحباب تک‌همسری) آن را به استناد ادله‌ای از جمله روایت عیاشی مبنی بر نبودن اسراف در گرفتن بیش از یک همسر، «واضح الضعف» معرفی می‌کند. همچنین صاحب‌جواهر، داشتن بیش از یک زوجه را در فرض حاجت، به ضرر قاطع، مستحب می‌داند و در جایی که چنین حاجتی در کار نیست (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۲۰۵)؛ به استناد اطلاق ادله ترغیب‌کننده به ازدواج و توصیه به تکثیر نسل در روایات، «قول اقوی» را استحباب تعدد زوجات نام می‌برد! و حتی در جایی که مرد، فقیر است؛ به اطلاق روایتی که ازدواج را موجب فزونی روزی می‌داند اتکا و «قول ظاهر» را استحباب تعدد زوجات اظهار می‌دارد (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۹، ۳۵-۳۶).

سید کاظم یزدی نیز در عروه به صراحت می‌نویسد: «الاستحباب لا يزول بالواحدة، بل التعدد مستحب أيضاً قال تعالى فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ (یزدی، ۱۴۱۹ق: ج ۵، ۴۸۲)؛ یعنی استحباب نکاح با گرفتن یک زن از بین نمی‌رود، بلکه چندهمسری نیز مستحب است. خداوند می‌فرماید (الخ)»^۱. روشن

۱. مسئله قابل تأمل اینکه هیچ حاشیه‌ای ذیل این فتوای سید در محشای عروه الوثقی از مراجع معروف معاصر نقل نشده است که می‌تواند مشعر بر پذیرش حکم یاد شده نزد ایشان باشد! اما از طرفی نیز وقتی به تحریرالوسیله امام خمینی مراجعه می‌کنیم - درست مانند متن وسیله النجاة - با وجود تأکید ایشان بر استحباب نکاح، هرگز فرعی را همانند یا نزدیک به فرع صریح سید که دلالت یا حتی اشاره‌ای بر استحباب

است که سیاق عبارت سید نشان می‌دهد که مستند ایشان در این فتوا اطلاق آیه مربوط است. به نظر می‌رسد پاره‌ای از این ادله زمانی می‌توانند اثبات‌کننده استحباب چندهمسری برای مرد به شمار آید که بتوان به اطلاق آن‌ها تمسک نمود؛ به این معنا که آن‌ها را ناظر به خصوص اباحه در مقام رفع خطر ندانست یا مفاد آن‌ها را به مقام بیان فضیلت و ترغیب اصل تزویج منحصر نکرد! زیرا می‌دانیم مطابق دیدگاه راجح در اصول (مظفر، بی‌تا: ج ۱، ۷۹)، مجرد امر به چیزی، بر یک بار یا چند بار انجام دادن آن عمل دلالت ندارد؛ اگرچه به‌طور قهری با تحقق فرد اول ازدواج، ازدواج موضوع امر نیز محقق می‌شود. ما در ادامه و به هنگام اشاره به حکم تکلیفی استحباب تعدد زوجات بعد از فراغ از اثبات اصل مشروعیت آن، با تفصیل بیشتری به این فرع خواهیم پرداخت. بر این اساس همان‌گونه که در آغاز بحث، خاطر نشان کردیم؛ اگر از جواز تعدد زوجات در اسلام به‌عنوان یک قاعده سخن می‌گوییم کاملاً توجه داریم که لااقل از دید اندیشمندانی برجسته، تشکیل خانواده در اسلام را که واقعیت جوامع اسلامی نیز گویای آن است باید با محوریت ازدواج دائم تک همسرانه معرفی کرد. با این وصف، نگاه همه‌جانبه به ملزومات زندگی اجتماعی و توجه داشتن به مقتضیات نظام حقوقی اسلام به‌عنوان یک کل جامع‌نگر اقتضا دارد تا از دیگر دستاوردهای حقوق اسلامی در کنار اصول اولیه یاد شده از جمله اصل جواز تعدد زوجات نیز غافل نشویم. به عبارت دیگر چنان که قبلاً نیز خاطر نشان کردیم، در مجموعه نظام حقوق خانواده اسلام هم اصول آرمان‌گرایانه اولی و هم اصول واقع‌بینانه تکمیلی هر دو سازنده چنین نظامی هستند. برای روشن شدن موضع حقوق اسلامی درباره تعدد زوجات و مختصات فقهی آن لازم است با مراجعه به منابع اجتهاد و کلمات فقها و البته به صورت فشرده، مبنای مشروعیت این حکم، ماهیت آن از جهت امضایی و تأسیسی بودن، نوع آن از جهت احکام خمسسه تکلیفی به‌عنوان حکم اولی و نیز ثانوی و حدود و قیودی را که اسلام در فرض امضایی دانستن مسئله بر آن افزوده است مورد اشاره قرار دهیم.

۳. ماهیت و مشروعیت و نوع حکم تعدد زوجات در حقوق اسلامی با اشاره به حدود و شرایط آن

حکم تعدد زوجات در اسلام از «احکام امضاییه» اسلام محسوب می‌شود. نکته قابل عنایت درباره احکام امضایی این است که این قسم از احکام از جهت اصل انتساب به شارع برای برخورداری از مشروعیت، با احکام

تعدد زوجات بنماید یادآور نمی‌شوند. (ر.ک: خمینی، سید روح‌الله موسوی، تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۳۶۳، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم: بی‌تا؛ اصفهانی، سید ابوالحسن، وسیلة النجاة (مع حواشی الإمام الخمينی)، ص ۶۹۲، تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، قم ۱۴۲۲ هـ.ق؛ امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۵۱۱، با تصحیح و تحقیق مسلم قلی پور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم: ۱۴۲۶ ق). البته هستند مراجعی از بین شاگردان امام که بعد از رحلت ایشان، سمت مرجعیت پیدا نمودند و ذیل همین فتوای سید حاشیه زده و صراحتاً آن را رد کرده و آیه مربوط را ناظر به تریخیص و جواز دانسته‌اند و نه استحباب و صریحاً به استحباب تک‌همسری فتوا داده‌اند. (ر.ک: لنگرانی، محمد فاضل موحدی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - النکاح، ص ۲۷۵، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم: ۱۴۲۱ هـ.ق). از آیت‌الله سیستانی در کتاب فتوایی‌شان هم جز تصریح بر استحباب اصل نکاح، مطلب دیگری ناظر به فتوای سید یزدی مشاهده نشد. (سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، ج ۵، ص ۳، ج ۵، دفتر آیت‌الله سیستانی، قم: ۱۴۱۳ ق).

تأسیسی تفاوتی ندارند؛ بلکه تفاوت در ناحیه شکل‌گیری موضوع این احکام است! به این معنا که موضوع احکام امضایی برخلاف احکام تأسیسی از سابقه برخوردار هستند و جزو ابداعات شارع مقدس به شمار نمی‌آیند؛ اما از ناحیه حکم، هر دو به شارع مقدس منسوب می‌باشند. با این وصف باید توجه داشت که حق دخل تصرف در حدود و قیود موضوعات احکام امضایی نیز همچنان برای شارع حکیم به‌عنوان «مولای علی الاطلاق» محفوظ است؛ چنان که از قضا در مسئله تعدد زوجات با تصرف شارع در این ناحیه نیز مواجه هستیم. نتیجه اینکه نباید چنین تصور کرد که احکام امضایی چون مبتنی بر موضوعات عرفی هستند، لذا تغییر آن‌ها به آسانی و با تغییر عرف‌ها و فارغ از موضع‌گیری شارع درباره آن امکان‌پذیر است.

با مراجعه به ادله اجتهادی از کتاب و سنت گرفته تا اجماع و سیره قطعی مسلمین، هیچ تردیدی در اصل مشروعیت تعدد زوجات با تصریح به محدود بودن آن حداکثر به چهار زوجه دائمه، باقی نمی‌ماند. وضوح مطلب و اتقان مستندات آن به اندازه‌ای است که در کلمات فقهای فریقین، مسئله را نزد «علمای اسلام» (و نه یکی از دو مکتب فقهی شیعه یا سنی) مسئله‌ای اجماعی معرفی می‌شود (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۴۰۹: حلی، ۱۳۸۸: ۶۲۸)؛ و بر اساس چنین اجماع برجسته‌ای است که مشروعیت تعدد زوجات را جزو «ضروریات دین» نام برده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق: ج ۴، ۹۴). همین ضروری بودن حکم جواز تعدد زوجات است که موجب می‌شود پذیرش آن از دایره علمای اسلام فراتر رفته و نزد «اهل اسلام» امری مسلم قلمداد گردد (کرکی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ۳۷۴).

لازم است توجه داشته باشیم که تعبیر فقها از حکم جواز تعدد زوجات در قالب‌های متنوعی و غالباً هم در قسمت مربوط به محرّمات یا همان موانع نکاح ابراز شده است که یکی از آن‌ها این است: «جایز نیست انسان آزاد بیش از چهار زن [دائم] داشته باشد» (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۲۰۵). تعبیر دیگر این است که: «اگر انسان آزادی با چهار زن دائم ازدواج کند، ازدواج بیش از آن بر وی حرام است» (کرکی (شهید ثانی)، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ۳۷۲). همچنین شوهری را که دارای چهار زن دائم است «ذو النصاب» نامیده‌اند (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۲۱۰)؛ یعنی مردی که نصابش از داشتن زن، کامل است! بر همین اساس است که «استیفای عدد زوجات»^۱ (یعنی کامل شدن شمار زنانی که مرد می‌تواند هم‌زمان در نکاح خود داشته باشد) را از «اسباب

۱. در کلام فقها و حتی پاره‌ای نویسندگان حقوقی دو نوع «استیفای عدد» گزارش شده است: ۱. استیفای عدد در ازدواج دائم که از اسباب تحریم نکاح است و معنای کامل‌تر آن نسبت به آنچه در متن آوردیم این است که: مرد آزاد با داشتن چهار زن آزاد یا دو کنیز به عقد دائم، به ترتیب نمی‌تواند زن آزاد پنجم و کنیز سومی را به عقد دائم خویش در آورد؛ ۲. استیفای عدد در طلاق یعنی: اگر مردی زن آزاد را سه بار طلاق دهد، آن زن بر او حرام می‌شود، مگر آیین که محلل، فاصل شود. در صورتی هم که مرد زن را نُه بار آیین گونه طلاق دهد، زن برای همیشه بر او حرام می‌شود. (ر.ک: جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۱، ص ۴۷۴، مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، قم: ۱۴۲۶ ق؛ هدایت نیا، فرج‌الله، حقوق خانواده در ج.ا.ا، ص ۴۷

تحریم نکاح» (حائزی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ۲۴۰) یا همان «محرمات نکاح» (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۴۰۹) محسوب داشته‌اند و بر آن فروع متنوع بسیاری را مترتب کرده‌اند.^۱

مرحوم صدوق در کتاب «علل الشرایع» در مورد حکمت تشریح حکم تعدد زوجات در اسلام روایت مکتوبی را از امام رضا (ع) در جواب نامه محمد بن سنان نقل می‌کند که در ذیل آن عبارتی را مستقیم از شخص «محمد بن سنان» و بدون تصریح بر اسناد آن به امام (ع) می‌آورد مبنی بر اینکه فزونی تعداد زنان بر مردان، دلیل تشریح این حکم است (صدوق، ۱۳۸۶ق: ج ۲، ۵۰۴). اینکه حدیث شناس سترگی مانند صدوق، در کتابی روایی این فراز را از قول راوی می‌آورد و باز محدث بزرگی مانند علامه مجلسی نیز در موسوعه روایی‌اش آن را باز نشر می‌دهد (مجلسی، ۱۴۱۰ق: ج ۱۰، ۳۸۵): احتمال روایت بودن یا مُلهم از روایت معصوم بودن گفته محمد بن سنان را تقویت می‌نماید. اهمیت این گفته زمانی خود را بیشتر نشان می‌دهد که توجه کنیم شهید مطهری به‌عنوان فقیه و اندیشمندی که در این مسئله به‌گونه‌ای جدی و با اعتماد به نفس بالا ورود کرده است مبنای مورد نظر خود را درباره حکم تعدد زوجات در اسلام بر دو نکته بنا کرده است: فزونی نسبی عدد زنان بر عدد مردان و حق تأهل به‌عنوان یک حق طبیعی بشری برای زنان (مطهری، ۱۳۸۴: ج ۱۹، ۳۳۴).^۲

در هر حال، از مهم‌ترین این دلایل و مقدم بر روایات،^۳ آیات متعددی (مانند سوره تحریم، آیه ۱: سوره احزاب: آیات ۳۲-۵۰-۲۸۶) از قرآن کریم است که صریح‌ترین آن‌ها که از آن به‌عنوان ریشه قرآنی یا همان

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۹۸). استاد کاتوزیان اصطلاح استیفای عدد را در نکاح نه طلاق مطرح و استعمال آن را به محقق و شرایع نسبت داده‌اند (کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، ج ۴، ص ۱، ۱۰۸).

۱. فروعی مانند اگر مردی که بیش از چهار زن دارد مسلمان شود باید از میان ایشان چهار زن را اختیار و باقی را رها سازد؛ یا اگر به ترتیب، طی پنج عقد با پنج زن ازدواج کند، عقد پنجم باطل است؛ یا اگر با یک صیغه اما به ترتیب با بردن نام پنج زن، انشای نکاح نماید عقد ناظر به نام زوجه پنجم منعقد نمی‌شود؛ یا اگر به یک صیغه و با ضمیر جمع به عقد پنج زن مبادرت ورزد به دلیل استحاله جمع و ترجیح بلا مرجع نسبت به هیچ‌کدام از زن‌ها نکاحی واقع نمی‌شود. (ر.ک: عبدی پور، ابراهیم، زن و خانواده (مباحث حقوقی)، مقاله تعدد زوجات، ص ۲۲۱-۲۱۷ به کوشش حسینعلی بای، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶). از جمله فروع دیگر اینکه در عین تحفظ بر سقف چهار زوجه امکان وجود بیش از چهار زن را برای مرد با عنایت به لوازم پاره‌ای احکام دیگر، تصویر می‌کند و آن اینکه: «ممکن است [مردی] زن‌های دائم ارث بر او، چهار یا حتی بیش از چهار تا باشند؛ مثل اینکه در مرض موت، دوزن را طلاق داده و به جای آن‌ها دو زن دیگر اختیار کرده و سپس [به همان مرض] مرده است، قهراً شش زن از او ارث می‌برند که بیابید «ربع یا ثمن» را بین خود تقسیم کنند.» (طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی، چاپ دوم، ج ۵، ص ۳۳۶، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: ۱۴۱۸ق. به نقل از:فتاح الکرامه، ج ۸، ص ۱۸۴. جواهرالکلام، ج ۳۹، ص ۱۹۸. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۹۷).

۲. نویسنده احتمال می‌دهد تأکید شهید مطهری بر کثرت شمار زنان بر مردان به‌عنوان یکی از دو مبنای اساسی حکم تعدد زوجات در اسلام، متأثر از تعالیم استاد ایشان مرحوم علامه طباطبایی باشد. علامه در ضمن بر شمردن دلایل توجیه‌کننده این حکم اهمیت فراوانی به آمار بالاتر شما زنان نسبت به مردان می‌دهد و حتی با ارائه فرمولی این برداشت را مدلل هم می‌کند (طباطبایی، سید محمدحسین، تعدد زوجات و مقام زن در اسلام، صص ۴۹-۵۳، انتشارات آزادی، قم: بی‌تا).

۳. کثرت این روایات به اندازه‌ای است که مصداق سنت قطعی محسوب می‌شود از همین رو پرداختن به آن‌ها را به صورت مستقل برای اثبات اصل مشروعیت تعدد زوجات، ضروری تشخیص ندادیم. برای دیدن این روایات ر.ک: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۱۷-۵۳۲، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم: ۱۴۰۹ق! کثرت این روایات به اندازه‌ای است که آن‌ها را «مستفیضه» و بلکه «متواتره» دانسته‌اند (ر.ک: حائزی،

«اصل» در مشروعیت این تأسیس یاد می‌شود (کرکی (شهید ثانی)، ۱۴۱۴ق: ۱۲، ۲۷۴؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۴۰۹)؛ آیه سوم از سوره مبارکه نساء است که می‌فرماید: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسُطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَتِلْكَ وَرَبَاعٌ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا»^۱

این آیه در واقع تخصیص و یا تقییدی است که بر قاعده اولی مستفاد از آیات دیگری از قرآن و در رأس آن‌ها آیات ۲۲ تا ۲۴ سوره مبارکه نساء؛^۲ مبنی بر جواز مطلق ازدواج با زنان وارد آمده است. این آیات، پاره‌ای از موانع نکاح از جمله نسب، مصاهره، رضاع و حرمت نکاح با زنان شوهردار را گوشزد کرده‌اند و از آن‌ها قاعده‌ای کلی در مورد جواز نکاح استفاده می‌شود با این مضمون که به‌طور کلی ازدواج با هر زنی جز موارد ذکر شده در این آیه جایز است؛ بنابر این اصل، صحت نکاح با هر زنی است، مگر زنانی که به حکم این آیات (یا آیات دیگر یا روایاتی دیگر که مقید اطلاق آیه هستند) تحریم شده باشند. این نیز واضح به نظر می‌رسد که اصل جواز مستفاد از جمله: «وَأَجَلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ» برای مواردی قابل استناد است که آیه در مقام بیان آن است یعنی برای رفع شک در جواز و عدم جواز نکاح با یکی از زنان؛ نه شک در اعتبار یا عدم اعتبار بعضی از قیود در نکاح مثل اعتبار عربیت در صیغه نکاح و مانند آنکه آیه از این جهات در مقام بیان نیست و اطلاق ندارد.

در شأن نزول آیه اول (سوره نساء، آیه ۳) به‌عنوان اساس مشروعیت بخش به تعدد زوجات آمده است که عرب مطابق رسمی که داشت، ایتم را تکفل می‌کرد و گاه به خاطر مال یا جمال آن‌ها با ایشان ازدواج می‌کرد؛

سید علی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل (ط - الحدیث)، ج ۱۱، ص ۲۴۰، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم: اول، ۱۴۱۸ ه‍.ق. در پژوهش‌های جدید نیز همین برداشت مورد تأیید واقع و اظهار شده است: «احادیث معتبر از شیعه و سنی در جواز تعدد زوجات وجود دارد که جای هرگونه شک و تردید را از بین می‌برد (دهقانی، مهناز، صادق پور، محمدجعفر، جستاری انتقادی در حکم تعدد زوجات، فقه، ص ۱۵۱، سال ۲۸، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰).

۱. ترجمه: «و اگر می‌ترسید که نتوانید در مورد دختران یتیم (در صورت ازدواج با آنان) عدالت ورزید، بنابراین از [دیگر] زنانی که شما را خوش آید دو دو و سه سه و چهار چهار به همسری بگیرید. پس اگر می‌ترسید که با آنان به عدالت رفتار نکنید، به یک زن یا به کنیزانی که مالک شده‌اید [اکتفا کنید]. این [اکتفا به یک همسر عقدی] به اینکه ستم نوزید و از راه عدالت منحرف نشوید نزدیک‌تر است.»

۲. ترجمه این آیات: «و با زنانی که پدرانتان با آنان ازدواج کرده‌اند ازدواج نکنید، مگر آنچه [پیش از اعلام این حکم] انجام گرفته باشد. یقیناً این عمل، عملی بسیار زشت و منفور و بد راهی است. [ازدواج با این زنان] بر شما حرام شده است: مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه‌هایتان و خاله‌هایتان و دختران برادر و دختران خواهر و مادرهایتان که به شما شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران همسرانتان و دختران همسرانتان که در دامان شما پند [و تحت سرپرستی شما پرورش یافته‌اند، البته] از آن همسرانی که با آنان آمیزش داشته‌اید و اگر آمیزش نداشته‌اید بر شما گناهی نیست [که مادرشان را رها کرده، با آنان ازدواج کنید] و [نیز] همسران پسرانتان که از نسل شما هستند [بر شما حرام شده است] و همچنین جمع میان دو خواهر [در یک زمان ممنوع است] جز آنچه [پیش از اعلام این حکم] انجام گرفته باشد؛ زیرا خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است و [ازدواج با] زنان شوهردار [بر شما حرام شده است]، مگر زنانی که [به سبب جنگ با شوهران کافرشان از راه اسارت] مالک شده‌اید. [این احکام] مقرر شده خدا بر شما است و زنان دیگر غیر از این [زنانی که حرمت ازدواج با آنان بیان شد] برای شما حلال است که آنان را با [هزینه کردن] اموالتان [به‌عنوان ازدواج] بخواهید درحالی که [قصد دارید با آن ازدواج] پاک‌دامن باشید نه زناکار و از هرکدام از زنان بهره‌مند شدید مهریه او را به‌عنوان واجب مالی بپردازید و در آنچه پس از تعیین مهریه [نسبت به مدت عقد یا کم یا زیاد کردن مهریه] با یکدیگر توافق کردید بر شما گناهی نیست. یقیناً خدا همواره دانا و حکیم است.»

اما در این ازدواج مراعات عدالت نمی‌شد، از این جهت که یا صداق اندکی برای یتیم قرار می‌دادند که کمتر از مهرالمثل بود و یا پس از ازدواج، اموال یتیم را با اموال خودشان مخلوط می‌کردند و در آن تصرف می‌نمودند و حتی بعد از تمام شدن اموال، خود یتیم را از خانه بیرون می‌کردند در حالی که دیگر کسی به او رغبتی نداشت. قرآن گوشزد می‌کند که اگر می‌ترسید در ازدواج با ایتام، قسط و عدل را نسبت به خود یتیم یا اموالش مراعات نکنید، با غیر ایتام ازدواج کنید و می‌توانید یک یا دو یا سه یا چهار زن اختیار نمایید. لکن اگر در این ازدواج نیز می‌ترسید بین زنان مراعات عدالت را ننمایید، بیشتر از یک زن نگیرید (طباطبایی، بی‌تا: ج ۳، ۲۵۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۵۴: ج ۳، ۲۵۲). قابل توجه آنکه هنگام نزول این آیه پیامبر (ص) فرمودند هر که بیش از چهار همسر دارد، بقیه را طلاق بدهد و فقط تا چهار همسر را نگه بدارد؛ بنابراین حتی شأن نزول آیه را هم اگر نگاه بکنیم، بیشتر از اباحه استفاده نمی‌شود.^۱

از این بیان و نیز توجه به شأن نزول آیه و فرمایش پیامبر اسلام (ص) در پی آن، ظهور امر به نکاح در اباحه و عدم دلالت آن بر وجوب یا ندب به وضوح تمام فهمیده می‌شود (جواهرالکلام، بی‌تا: ج ۲۹، ۱۱)؛ اگرچه بعضی از فقها که قائل به استحباب تعدد زوجات هستند - به اشارتی که گذشت و به تفصیلی که خواهد آمد - به همین آیه استناد کرده باشند؛ لکن دلالت آیه بر اباحه با چنین استنباطی منافات دارد. همچنین از آیه و از سنت قطعی فهمیده می‌شود بیش از چهار زن را نمی‌توان هم‌زمان تزویج نمود (حر عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۰۹ق: ج ۲۰، ۵۱۹-۵۱۸). فقهای عظام نیز همان‌طور که گذشت فروع متعددی را بر این محدودیت بار کرده‌اند؛ بنابراین حرف «واو» (که حرف عطف مفید اجتماع است) در «مَثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعًا» برای افاده تنويع اجتماع دو و سه و چهار است مانند آیه قرآن در مورد فرشتگان که آن‌ها را دارای بال دانسته است: دو، سه و چهار بال «أُولَى أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعًا»! به این معنا که همان‌طور که فرشتگان می‌توانند دارای چند نوع باشند: صاحبان دو بال یا سه بال یا چهار بال؛ نکاح با دو زن به‌طور هم‌زمان جایز است، نکاح با سه زن و نیز نکاح با چهار زن جایز است. پس واو در آیه، جواز اجتماع اعداد در نکاح را نمی‌رساند به این نحو که کسی بتواند دو و سه و چهار زن را که روی هم ۹ زن می‌شود، با هم بگیرد (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۳۰، ۳).

البته جناب علامه حلی می‌نویسد: «از قاسم بن ابراهیم نقل شده است که او ازدواج با ۹ زن را اجازه داده است و فرقه قاسمیه از نحله زیدیه بر همین عقیده‌اند؛ اما شیخ طوسی اظهار می‌دارد این نقل قول فقها از ایشان است اما من هیچ زیدی مذهبی را ندیدم که به چنین امری معترف باشد بلکه آن را از اساس انکار می‌نمایند» (حلی، ۱۳۸۸: ۶۳۸). با این معنا از «واو» در آیه قرآن دیگر نیازی نیست تا آن را به معنای نامعمول «واو» تأویل ببریم تا به محذور جواز اجتماع ۹ زن برخورد نکنیم (شیرازی، ۱۴۱۹ق: ج ۱۶، ۵۱۰۷).

از طرفی می‌دانیم که احکام خمسه تکلیفی پنج قسم است: وجوب، استحباب، کراهت، حرمت و اباحه! روشن است که با اثبات اصل اسلامی مشروعیت تعدد زوجات آن هم حداکثر محدود به چهار زوجه دائمه سخن گفتن از دیدگاهی که به صورت کلی و مطلق، قائل به حرمت چنین تعدد زوجاتی گردد و به حکم اولی آن را حرام بداند بی‌معنا است.^۲ البته پاره‌ای فقها به استناد روایاتی به حرمت تعدد زوجات بر علی (ع) در زمانی که فاطمه زهرا (س) را در نکاح خود داشته‌اند حتی فتوا نیز داده‌اند (تبریزی، ۱۴۲۷ق: ج ۱۰، ۴۲۹) که به جهت مختص بودن به همین یک مورد، تأثیری در اصل مسئله حاضر ندارد. همچنین است حکم خاص حرمت هوو آوردن بر سر زوجه فاطمی (سیده / قرشیه).^۳ با این وصف گفته شده است: برخلاف نظر فقهای مشهور در میان فریقین پاره‌ای دانشیان هستند که با ناسخ و منسوخ دانستن آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء، حرمت تعدد زوجات را استنتاج کرده‌اند.

۲. روشن است که ممنوعیت ازدواج مردی که دارای همسر است با زن دیگر در جایی که موانع نکاح در مورد، وجود دارد از بحث ما خارج است؛ مانند جمع بین مادر و دختر، به نکاح در آوردن ربیبه بعد از ازدواج و دخول با مادر، ازدواج با مادر یا خواهر یا دختر ملوط، جمع بین اختین، ازدواج مسلمه با کافر، ازدواج عبد با بیش از دو زن آزاد و... همان‌طور که ملاحظه می‌شود تمام این موارد که فی‌الجمله از احکام مورد تسالم در فقه اسلامی هستند از بحث حاضر خارج‌اند؛ زیرا سخن در جایی است که نفس چندهمسری بدون لحاظ عروض عناوین مانعه، حرام است یا خیر؟! (برای دیدن احکام یاد شده ر.ک: امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۶۲-۲۸۸). شبیه همین مانع عارضی در نکاح عبد با بیش از دو زن آزاد نیز مطرح است (ر.ک: نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، ج ۲۹، ص ۴۰۹).

۳. شیخ حرّ عاملی در باب ۴۰ از «ابواب ما یحرم بالمصاهرة» با عنوان «بَابُ حُكْمِ الْجَمْعِ بَيْنَ ثِنْتَيْنِ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ ع آورده است. (عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۵۰۳، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم: ۱۴۰۹ هـ) دو روایت آورده است که سند یکی از آن‌ها نزد محققان از فقها صحیح دانسته می‌شود. باین حال تنها از قرن ۱۱ به بعد است که با اندک فقهای عمدتاً اخباری مواجه هستیم که برای اولین بار متعرض این مسئله شده و به استناد این روایات، ازدواج با زن سیده یا غیر سیده را در جایی که شوهر از قبل دارای همسری سیده است حرام و یا باطل دانسته‌اند. حتی صاحب حدائق، رساله مستقلی را هم در این باره نگاشته است؛ اگرچه با استخفاف صاحب‌جواهر رویه‌رو شده است. البته همین مسکوت بودن مسئله در حدود هزار سال فقه مکتوب امامیه بهترین گواه بر «معرض عنها» بودن این دو روایت و «شاذ» بودن چنین فتاوی است. این در حالی است که به تصریح وحید بهبهانی، جمیع فقهای و متقدم متأخر نه به کراهت این چندهمسری و نه به حرمت آن فتوا نداده‌اند. مرحوم کاشف الغطاء نیز تقریباً همین نظر را دارد (ر.ک: بحرانی، آل‌عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۲۳، ص ۱۰۹ به بعد؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: ۱۴۰۵ هـ ق؛ بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل، الرسائل الفقهية (للوحد البههانی)، ص ۱۹۹، مؤسسه علامه وحید بهبهانی، قم: ۱۴۱۹ هـ ق؛ نجفی، کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر، أنوار الفقاهة - کتاب النکاح (لکاشف الغطاء، حسن)، ص ۱۱۴، مؤسسه کاشف الغطاء، نجف: ۱۴۲۲ هـ؛ نجفی، صاحب‌الجواهر، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، ج ۲۹، ص ۳۹۲ به بعد، دار احیاء التراث العربی، بیروت: هفتم، ۱۴۰۴ هـ ق) البته قرائن روشنی در متن روایت وجود دارد که نهایتاً قول به کراهت را تقویت می‌کند که از بین فقهای معاصر نیز دارای قائلانی مانند سید یزدی است (یزدی، سید محمدکاظم طباطبایی، العروة الوثقی (المحشی)، ج ۵، ص ۵۶۱، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: اول، ۱۴۱۹ هـ، حکیم، سید محسن طباطبایی، مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۴، ص ۲۶۵، مؤسسه دارالتفسیر، قم - ایران، اول، ۱۴۱۶ هـ ق). آیت‌الله شبیری زنجانی بحث مبسوطی با عنایت به سابقه تاریخی مسئله دارند و در آخر فتوای خود را کراهت این ازدواج اعلام می‌کنند. (ر.ک: زنجانی، سید موسی شبیری، کتاب نکاح، ج ۹، صص ۳۰۹۵-۳۱۰۳، مؤسسه پژوهشی رای‌پرداز، قم: ۱۴۱۹).

نحوه استدلال هم این است که در آیه اول، تعدد زوجات تا چهار زن به شرط رعایت عدالت، جایز دانسته شده است «فان خفتم ان لا تعدلوا فواحدة» و در آیه دوم، رعایت عدالت توسط زوج میان زوجات، غیرممکن معرفی گردیده است «و لن تستطيعوا ان تعدلوا بین النساء» (دهقانی و صادق‌پور، ۱۴۰۰: ۱۶۰-۱۶۱). از آنجا که صاحبان این دیدگاه در واقع منکر اصل مشروعیت تعدد زوجات اسلامی هستند و ما قطعی بودن اصل این مشروعیت در اسلام را اثبات نمودیم؛ بنابراین، چنین نظری اساساً قابل عرض اندام در برابر امری چنین قطعی نیست. در هر حال، برای اثبات سست بودن استدلال یاد شده یادآور می‌شویم که چنین برداشتی با لغو دانستن آیه قرآن ملازمه دارد زیرا تشریح آن به شرطی غیرممکن مشروط شده است که لااقل از سوی یک مسلمان، پذیرفتنی نیست.

مضافاً آنکه به صراحت، همین ادعا به‌عنوان شبهه‌ای بر حقانیت قرآن کریم و اثبات وجود تعارض در بین آیات آن، در دوران ائمه (ع) از قول بعض زنادقه نقل شده است و امام (ع) همان زمان، پاسخ آن را داده‌اند که از خلال همان پاسخ، معنای عدالت مأخوذ در جواز تعدد زوجات اسلامی نیز دانسته می‌شود. توضیح اینکه روزی ابن ابی العوجاء که مادی مسلک، دهری و به اصطلاح زندیق آن دوران به شمار می‌رفت از هشام بن حکم که از شاگردان ممتاز امام صادق (ع) محسوب می‌شد تعارض دو آیه‌ای را که در بالا آوردیم به شرح یاد شده متذکر گردید و گفت هیچ حکیمی این‌گونه سخن نمی‌گوید. هشام که از پاسخ درمانده شده بود برای دریافت جواب به مدینه و نزد امام صادق (ع) رفت. امام فرمود: امر به عدالت در آیه اول به‌عنوان شرط داشتن چند همسر، به عدالت در الزامات واجبه مانند نفقه مربوط است و عدالتی که در آیه دوم ناممکن معرفی شده است عدالت در مودت و محبت قلبی است؛ بنابراین موضوع دو آیه یک چیز نیست تا توهم تعارض جا داشته باشد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۳۶۲-۳۶۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ۶۵-۷۵).

نکته بسیار مهم در مورد آیه دوم پیش‌گفته این است که گرچه ظاهر ابتدایی آیه که امر را مشروط به عدم خوف کرده این است که اگر خوف از ترک عدالت باشد، اباحه منتفی است و ازدواج دوم و بیش از آن حرام خواهد بود، لکن با تأمل بیشتر معلوم می‌شود که مستفاد از ظاهر علت مذکور برای اکتفا به یک زوجه «ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» این است که خداوند برای اینکه زوج از ارتکاب معصیت عدم رعایت حقوق همسران دور باشد، از او می‌خواهد تعدد را ترک کند و با ترک ازدواج مجدد، موضوع جدید برای تکلیف جدید (وجوب نفقه و مانند آن) محقق ننماید؛ نه اینکه خواسته باشد عنوان «تعدد زوجات» و مانند آن را برای چنین کسانی موضوع حرمت قرار داده باشد. پس حتی کسی که علم به عدم رعایت عدالت دارد، اگر چند زوجه اختیار کند، مرتکب حرام نشده و پس از ازدواج موظف به عدالت است و اگر حقوق زوجه‌ای را مراعات نکند، مرتکب حرام شده

است. علاوه بر این بعضی از فقها تصریح کرده‌اند هیچ فقهی فتوا به حرمت و بطلان نکاح در فرض یاد شده نداده است (صدر، ۱۴۲۰ق: ج ۶، ۱۶۳).^۱

به نظر می‌رسد نوگرایانی که تعالیم حقوقی قرآن را عصری می‌دانند و دوران معقول بودن جواز تعدد زوجات را سپری شده قلمداد می‌نمایند نیز به قائلین به عدم مشروعیت تعدد زوجات قابل الحاق‌اند؛ با این تفاوت که ادله ایشان برخلاف دانشیان یاد شده بر یک سری پیش فرض‌های پیشینی و معرفت‌شناسانه استوار است که جای طرح و نقد آن در این مقال نیست (نجم و راد، ۱۳۸۲: ۶۷).^۲ از طرف دیگر قول به وجوب تعدد زوجات نیز قائلی ندارد؛ چراکه در جای خود روشن شده است با آنکه صیغه امر می‌تواند ظهور در وجوب داشته باشد و در آیه ۳ سوره نساء خطاب «فانکحوا ما طاب لکم من النساء» در قالب امر صادر شده است؛ اما چون امر یاد شده در ظرف حظر یا توهم حظر یا همان ممنوعیت چندهمسری وارد شده است نمی‌تواند بر وجوب دلالت نماید. درست از همین رو است که ملاحظه می‌کنیم با وجود تأکیدهای فراوان روایات (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۰، ۱۳ به بعد) و یا اوامر قرآنی (سوره نور، آیه ۳۲؛ سوره نساء، آیه ۳) تشویق‌کننده به اصل ازدواج، فقها به وجوب نکاح فتوا نمی‌دهند و غالباً با حمل اوامر یاد شده به اقل مراتب آنکه استحباب است حکم اولی اصل ازدواج را مستحب مؤکد (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۰ق: ۱۷۳؛ عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۸۵؛ عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳ق: ج ۷، ۹-۱۰؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق: ۳۱) یا مستحب اکید (امام خمینی، بی تا: ج ۲، ۲۳۶) یا مستحب (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۹، ۸) اعلام می‌کنند و بعضاً قول به وجوب را شاذ می‌دانند (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳ق: ج ۷، ۹). بر این اساس، کاملاً قابل انتظار است که در مورد چندهمسری نیز فتوای به وجوب از سوی قاطبه فقها صادر نشود.

بیم از ارتکاب حرام نیز که در جای خود از اسباب وجوب اقدام به اصل ازدواج تلقی شده است نمی‌تواند وجوب تعدد زوجات را ثابت نماید (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۸۵)؛^۳ زیرا اولاً، در حال حاضر درصدد بررسی حکم اولی تعدد زوجات قطع نظر از عروض عناوین ثانوی و توجیه‌کننده حالات اضطراری هستیم و

۱. بعضی به ایشان نسبت داده‌اند که قائل به عدم جواز نکاح در فرض خوف از رعایت عدالت است؛ درحالی‌که این فقیه در ابتدا ظاهر اولیه قرآن را عدم جواز دانسته و در ادامه کلامش به استناد عدم فتوای فقها قائل به جواز فقهی شده است. (ر.ک: یزدی، محمد، فقه القرآن، ج ۳، ۱۸).

۲. همان‌گونه که قبلاً یادآور شدیم؛ یکی از معروف‌ترین این نوگرایان ظاهراً مسلمان؛ دکتر نصر حامد ابوزید است. به اعتقاد او: حکم اسلامی تعدد زوجات، تشریحی ابدی نیست.

۳. صاحب‌جواهر مستحب دانستن نکاح را نه تنها به کتاب و سنت مبتفیصه یا متواتره نسبت می‌دهد و آن را مقتضای اجماع محصل و منقول مسلمین و نه خصوص شیعیان می‌داند؛ بلکه آن را به عنوان ضرورت مذهب و حتی دین معرفی می‌نماید! عبارت ایشان در این باره چنین است: «...النکاح مستحب لمن تاقت و اشتاقت نفسه إليه، من الرجال و النساء کتاباً و سنة مستفیضة أو متواترة و إجماعاً بقسمیه من المسلمین فضلاً عن المؤمنین، أو ضرورة من الذهب بل الدین...»

۴. عبارت شهید ثانی در این باره چنین است: «النکاح مستحب مؤکد لمن یمكنه فعله و لا یخاف بترکه الوقوع فی محرم و إلا وجب»

ثانیاً، نوعاً مرد با داشتن یک همسر دیگر بیم افتادن در ورطه گناه را ندارد و اگر چنانچه مرد زنداری همچنان چنین خوفی را در خود بیابد چه بسا باید در درجه اول به درمان جسم و روان خود اقدام ورزد نه تجدید فراش! و در نهایت اگر هم مطابق عرف خاص عقلا (درمانگران) درمان او به داشتن چند همسر منحصر گردد در این صورت چنین وجوبی به عنوان ثانوی مستند خواهد بود و حکم اولی نکاح به شمار نمی آید!

اما در مورد قول به استحباب تعدد زوجات که قبلاً نیز در بحث تبیین رجحان تک همسری مورد اشاره قرار گرفت، باید بگوییم این حکم به فقهای صاحب نامی از گذشته تا دوران معاصر نسبت داده شده است؛ مانند فاضل مقداد (فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق: ج ۲، ۱۴۰)، صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۹، ۳۵)، سید کاظم یزدی (یزدی، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ۷۴۸)، خوئی (خوئی، ۱۴۱۸ق: ج ۳۲، ۴)، سبزواری (سبزواری، ۱۴۱۴ق: ج ۲۴، ص ۸). به هر حال تقریباً تمام فقهای بعد از شیخ طوسی نظر ایشان مبنی بر استحباب تک همسری یا کراهت تعدد زوجات را نپذیرفته اند. صاحب جواهر با اسناد قول به کراهت اختیار بیش از یک همسر به شیخ طوسی (نه استحباب تک همسری) آن را به استناد ادله ای از جمله روایت عیاشی مبنی بر نبودن اسراف در گرفتن بیش از یک همسر، «واضح الضعف» معرفی می کند. همچنین صاحب جواهر، داشتن بیش از یک زوجه را در فرض حاجت، به ضرس قاطع، مستحب می داند و در جایی که چنین حاجتی در کار نیست؛ به استناد اطلاق ادله ترغیب کننده به ازدواج و توصیه به تکثیر نسل در روایات، «قول اقوی» را استحباب تعدد زوجات نام می برد! و حتی در جایی که مرد، فقیر است؛ به اطلاق روایتی که ازدواج را موجب فزونی روزی می داند اتکا و «قول ظاهر» را استحباب تعدد زوجات اظهار می دارد (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۹، ۳۵-۳۶).

سید کاظم یزدی نیز در عروه به صراحت می نویسد: «الاستحباب لا یزول بالواحدة، بل التعدد مستحبٌ أيضاً قال تعالی فَاَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنً وَ ثُلَاثً وَ رُبَاعً (یزدی، ۱۴۱۹ق: ج ۵، ۴۸۲)؛ یعنی استحباب نکاح با گرفتن یک زن از بین نمی رود، بلکه چند همسری نیز مستحب است». خداوند می فرماید: «الخ». چنانچه از فرازهای فوق نیز اجمالاً قابل استفاده است از عمده دلایل این فقها به موارد زیر اشاره شده است: حمل امر در آیه ۳ سوره نساء به اقل مراتب امر که استحباب است؛ روایات تشویق کننده به تکثیر نسل و نفی اسراف در نکاح؛ اطلاق ادله ترغیب کننده به ازدواج و سیره معصومین (ع)! در نقد ادله یاد شده به اجمال می توان گفت: امر مندرج در آیه قرآن همان گونه که اشاره شد، در مقام رفع خطر از نکاح با یتیمان صادر شده است و در اصول ثابت شده است که چنین امری قرینه بر اباحه و جواز است نه وجوب و استحباب. به علاوه سیاق آیه، ظهور در رفع منع از ازدواج با چهار زن دارد نه ترغیب به این عمل؛ در حالی که مستحب، عملی مورد رغبت است.

در مورد روایات نافی اسراف در ازدواج و مشوق تکثیر نسل نیز با فرض صدور این روایات و صحت سندی آن ها گفته شده است: اولاً تکثیر نسل از طریق نکاح به خودی خود امر مطلوبی نیست، بلکه نسل موحدان و

اجزای امت محمدی است که مورد تأکید این روایات است؛ و ثانیاً اسراف ندانستن چندهمسری بیشتر ظهور در حرام ندانستن آن دارد نه استحباب این عمل؛ چراکه اسراف، حرام است و این روایات چنین حرمتی را از تعدد زوجات برداشته‌اند؛ نه آنکه آن را مستحب کرده باشند. اطلاق روایات تشویق کننده به ازدواج نیز از باب عدم ظهور امر در تکرار، ظهور در چندهمسری نداشته و تکویناً با صدق تک‌همسری نیز سازگاری دارند و در واقع همان‌طور که پیش از این یادآور شدیم بر ترغیب به اصل ازدواج دلالت دارد که بر اولین ازدواج صدق می‌کند. به عبارت دیگر در تمام این موارد اگر کسی یک بار ازدواج بکند، به سنت پیامبر عمل کرده و شامل این روایات می‌شود. در مورد سیره معصومان نیز به دلیل آنکه دلیل لئی است و لسان ندارد گفته شده است نهایتاً می‌تواند جواز را برساند نه استحباب را (دهقانی و صادق‌پور، ۱۴۰۰: ۱۵۵-۱۵۶). مضافاً آنکه تحقیق در اسباب ازدواج متعدد معصومان (ع) به‌ویژه شخص پیامبر اکرم (ص) گواه عروض حالات و شرایطی است که معصومین متناسب با آن شرایط عارضی تن به چندهمسری داده‌اند (شریعتی، ۱۳۵۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱۷، ۲۹۱-۲۹۸).

آیت‌الله شبیری زنجانی در نقد استدلال به سیره معصومین (ع) برای اثبات استحباب تعدد زوجات به همین نکته توجه داشته و عمل ائمه (ع) را به خاطر نفوذ پیدا کردن در بین همه طوایف و اقشار جامعه دانسته‌اند تا اینکه به واسطه آیین خویشاوندی‌ها بتوانند پیام و رسالت خود را بیشتر گسترش دهند و از طرفی به مسئله ازدیاد نسل مسلمین و شیعیان و جهاتی از آیین قبیل و همچنین نبودن مشکلات اداره کردن آن‌ها در مورد فعل ائمه (ع) توجه داده‌اند و با توجه به آیین نکات، اثبات استحباب تعدد زوجات به‌طور مطلق و بدون در نظر گرفتن آیین خصوصیات برای همه به‌عنوان حکمی کلی، از نظر ایشان مورد اشکال است (شبیری زنجانی، ۱۴۰۲: ج ۱، ۱۱۲-۱۱۳). همچنین عدم اقبال عملی اکثر آحاد جوامع اسلامی - به‌ویژه شیعی - از همان قرون اولیه اسلام به پدیده مشروع چندهمسری به اندازه‌ای است که شاید بتوان ادعا کرد: سیره مشرعه به‌عنوان آینه انعکاس دهنده خواست شارع مقدس، چندهمسری را مورد تشویق قرار نداده است! این امر می‌تواند حاکی از مستحب نبودن آن نزد شارع باشد. در همین راستا ادعا شده است چون اجرای عدالت شرعی و نه قلبی میان همسران متعدد معمولاً مشکل است و منشأ حدوث اختلافات بسیار می‌شود، لذا غالباً تعدد زوجات با مراتبی از مبعوضیت شارع همراه است که همین را دستمایه مکروه دانستن چندهمسری قلمداد کرده‌اند. همچنین گفته شده است که این مرجوح بودن، متوجه عمل معصومان (ع) که تمام جهات مربوط را برای جلوگیری از بروز آثار مورد بغض شارع، رعایت می‌کنند نمی‌شود تا ایشان را به ارتکاب مکروه متهم نماییم (شبیری زنجانی، ۱۴۰۲: ۱۵۹-۱۶۰).

مناسب است همین‌جا خاطر نشان نماییم که امروزه در معرض نظراتی مسموع اما غیر مستند از بعضی مراجع عظام تقلید هستیم که چندهمسری را درباره بعض افراد دارای جایگاه‌های حساس اجتماعی، خلاف مرورت و مخّل به عدالت می‌دانند! به فرض صدور این مطلب باید بگوییم چنین بیاناتی صراحتاً به حرمت یا کراهت چندهمسری و در واقع حکم اولی تعدد زوجات نظر ندارند؛ بلکه درصدد بیان این نکته‌اند که تعدد زوجات در

مورد این دسته می‌تواند به صورت عارضی موجب صدق عناوینی شود که آن عناوین، موضوع احکام محدود کننده یا سلب کننده صلاحیت از شخص نسبت به پاره‌ای کارها مانند شهادت دادن، اقامه جماعت کردن یا قضاوت می‌شود که در آن‌ها «عدالت» شرط است.

در تارنمای رسمی رهبر عزیز انقلاب نیز آمده است: «در نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بنا بر ادله معتبر دینی؛ چندهمسری مردان، مباح اما غیر مستحب است، اما از آنجا که مطابق دلایل قرآنی، جواز آن مشروط به اطمینان از رعایت عدالت بین همسران شده است، بنابراین هرگاه از نظر عقلایی، عدم تحقق رعایت عدالت بین همسران محتمل باشد، ازدواج مجدد شوهر جایز نیست».^۱ در اظهار نظر فقهی فوق مشخص نشده است که مراد معظم‌له از «جایز نیست» حکم تکلیفی حرمت است یا حکم وضعی بطلان را نیز مد نظر دارند؟! ما در سطور قبل، از قول بعض فقهای جلیل‌القدر، قول به عدم بطلان را حتی در فرضی که زوج می‌داند توان رعایت عدالت شرعی را ندارد مورد تأکید قرار دادیم.

در فقه اسلام از شرط «استیدان زوج» از زوجه اول یا دیگر زوجات قبلی برای ازدواج مجدد حرفی به میان نیامده است. در این باره گفته زیر قابل درنگ است: «شکی نیست که ازدواج مجدد زوج، برای غالب همسران اول خوشایند نیست و آن‌ها از آیین وضعیت ناراضی هستند، اما [آیا] در قانون‌گذاری‌های کلان اجتماعی می‌توان صرف ناخشنودی عده‌ای از افراد جامعه را مبنای محدودیت حکمی قرار داد که در مصلحت و ضرورت آن جای تردید نیست؟ آیا موارد رضایت همسر اول به ازدواج مجدد شوهرش که بسیار اندک است، می‌تواند ضرورت اجتماعی تعدد زوجات را برطرف کند؟» (کرمی و سجادی‌امین، ۱۳۸۹: ۱۱۵). البته در فقه اسلام، مواردی وجود دارد که اذن زوجه اول در گرفتن همسر جدید لازم دانسته شده است؛ مانند ازدواج با خواهرزاده و برادرزاده زوجه که مشروط است به اذن یا اجازه عمه و خاله که مرد از قبل در نکاح خود دارد. یا نکاح با زوجه کتابیه به گونه موقت که به گرفتن رضایت زوجه مسلمه اول منوط شده است. یا عدم جواز ازدواج با کنیز در حالی که شوهر دارای زوجه آزاد است، مگر آنکه زوجه اذن دهد و...! در هر حال مهم این است که جواز وضعی یا تکلیفی چندهمسری فی حد نفسه بر اذن زوجه یا زوجات اول، متوقف نگردیده است (امام خمینی، بی‌تا: ج ۲، ۲۸۸-۲۶۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲۹، ۴۱۰).

۱. ر.ک: <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=44236>. در تاریخ ۱۳۹۸/۱/۲۱ دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره نظر ایشان پیرامون مسئله چندهمسری توضیحات زیر را در تارنمای فوق، ارائه کرده است: «در نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بنا بر ادله معتبر دینی چندهمسری مردان، مباح اما غیر مستحب است، اما از آنجا که مطابق دلایل قرآنی، جواز آن مشروط به اطمینان از رعایت عدالت بین همسران شده است، بنابراین هرگاه از نظر عقلایی عدم تحقق رعایت عدالت بین همسران محتمل باشد، ازدواج مجدد شوهر جایز نیست... بر این اساس از آنجا که در جامعه و کشور ما ازدواج مجدد مردان غالباً به ضرر استحکام خانواده و موجب تضعیف محبت زوجین و گاه فروپاشی خانواده است، نگاه معظم‌له به آن خوش‌بینانه و مثبت نیست و از این روست که این جمله در بیان ایشان تکرار شده است که: «خدا یکی و محبت یکی و یار یکی!».

نتیجه‌گیری

از آموزه‌های فقه اسلام که در میان فقها و دیگر اندیشمندان مسلمان از گذشته تا حال طرفداران مهمی دارد ابتدای تشکیل خانواده بر تک‌همسری است. با این وصف، ساختار نظام‌واره و توحیدی آموزه‌های فقه اسلامی در قلمرو حقوق خانواده اقتضا دارد تا در انطباق تکوین مبتنی بر نظام احسن و اتقن و تشریح مبتنی بر عدالت و حیانی و اعتدال عقلانی، به مسئله تعدد زوجات توجه گردد. این توجه در فقه اسلامی در قالب جواز تعدد زوجات با رعایت قیود و حدود آن تجلی یافته است و یکی از کارکردهای آن مراقبت از شالوده تک همسرانه برای قاطبه خانواده‌های مسلمان در طول تاریخ و در جوامع مختلف اسلامی بوده است که با تنظیم گری تمایل یا اضطرار به چندهمسری، مانع گسترش هوسرانی جنسی بی‌قاعده و تعهد‌گریز شده است.

فهرست منابع

قران کریم

ابن اثیر، مبارک بن محمد جزری (بی‌تا). **النهایه. فی غریب الحدیث و الاثر**. جلد ۲. تهران: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). **لسان العرب**. جلد ۲ و ۳ و ۶. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر. اصفهانی، سید ابوالحسن (۱۴۲۲ ق). **وسيلة النجاة (مع حواشی الإمام الخمينی)**. قم: تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.

انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ ق). **کتاب النکاح**. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.

انوری، حسن (۱۳۸۱). **فرهنگ بزرگ سخن**. جلد ۳. تهران: سخن.

بای، حسینعلی (۱۳۹۶). **زن و خانواده مباحث حقوقی**. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ ق). **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**. جلد ۲۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل (۱۴۱۹ ق). **الرسائل الفقهية (للوحد البهبهانی)**. قم: مؤسسه علامه وحید بهبهانی.

تبریزی، میرزا جواد (۱۴۲۷ ق). **صراط النجاة فی أجوبة الاستفتاءات**. جلد ۱۰. قم: دار الصدیقه الشهیده.

جمعی از محققان، **فرهنگ شیعه** (۱۳۸۶). چاپ دوم، قم: زمزم هدایت.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). **تسنیم**. جلد ۱۷-۲۱. قم: مرکز نشر اسراء.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ق). **الصحاح**. جلد ۱. بیروت: دارالعلم للملایین.

حائری، سید علی بن محمد طباطبایی (۱۴۱۸ ق). **ریاض المسائل**، ط - الحدیث. جلد ۱۱. قم: مؤسسه آل‌البیته (ع).

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). **وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**. جلد ۲۰. قم: مؤسسه آل‌البیته (ع).

حسینی زبیدی واسطی، سید مرتضی (۱۴۱۴ ق). **تاج العروس من جواهر القاموس**. محقق: علی شیری، جلد ۲. بیروت: دارالفکر لطباعة و النشر.

حسینی عاملی، سید محمدجواد بن محمد (۱۴۱۹ ق). **مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة**. جلد ۸. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ ق). **مستمسک العروة الوثقی**. جلد ۱۴. قم: مؤسسه دار التفسیر.

حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۳۸۸). **تذکرة الفقهاء**، ط - القدیمة. قم: مؤسسه آل‌البیته (ع).

حمیدیان، حسن (۱۳۹۰). **حقوق خانواده: مجموعه مقالات**. تهران: نشر دادگستر.

- خمینی، سید روح‌الله موسوی (۱۴۲۶ق). **توضیح المسائل**. با تصحیح و تحقیق مسلم قلی پور. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح‌الله موسوی (۱۳۷۲). **مصباح الهدایه الی الخلافة و الولاية**. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح‌الله موسوی (بی‌تا). **تحریر الوسيلة**. جلد ۲. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). **موسوعة الإمام الخوئی**. جلد ۳۲. قم: مؤسسه احیاء الآثار الامام الخویی.
- دورانت، ویل (۱۳۳۷). **تاریخ تمدن**. جلد ۱. تهران: اقبال.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). **لغت نامه دهخدا**. زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، چاپ دوم، جلد ۵. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دهقانی، مهناز، صادق پور، محمدجعفر (۱۴۰۰). **جستاری انتقادی در حکم تعدد زوجات**. فقه. شماره ۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). **مفردات الفاظ القرآن**، سوریه: دارالعلم - دار الشامیه.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۴). **نظام النکاح فی الشریعة الإسلامية الغراء**. جلد ۱. قم: مؤسسه الامام الصادق(ع).
- سیزواری، سیدعبدالاعلی (۱۴۱۴ق). **مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام**. چاپ چهارم، جلد ۲۴، قم: مؤسسه المنار.
- سیستانی، سید علی (۱۴۱۳ق). **منهاج الصالحین**. جلد ۳. قم: دفتر آیت‌الله سیستانی.
- شیرازی، سید موسی (۱۴۱۹ق). **کتاب النکاح**. جلد ۹ و ۱۶. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
- شیرازی، سید موسی (۱۴۰۲). **دروس فقهی «کتاب نکاح»**. جلد ۱. قم: انتشارات مرکز فقهی امام باقر (ع).
- شریعتی، علی (۱۳۵۷). **زن در چشم و دل محمد (ص)**. تهران: ارشاد.
- صادقی فدکی، سید جعفر (۱۳۸۲). **مقاله تعدد زوجات (چندهمسری برای مرد)**. جلد ۷. قم: دائرة المعارف قرآن کریم.
- صدر، سید محمد (۱۴۲۰ق). **ماوراء الفقه**. جلد ۶. بیروت: دار الاضواء للطباعة و النشر.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۸۶ق). **علل الشرائع**. جلد ۲. قم: کتابفروشی داوری.
- طاهری، حبیب‌الله (۱۴۱۸ق). **حقوق مدنی**. جلد ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سید محمدحسین (بی‌تا). **تعدد زوجات و مقام زن در اسلام**. قم: انتشارات آزادی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (بی‌تا). **تفسیر المیزان**. جلد ۴. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۰ق). **المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف**. جلد ۲. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. جلد ۲. بیروت: دارالمعرفة.

- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق). **مجمع البحرین** چاپ سوم، جلد ۲. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷). **المبسوط فی فقه الإمامیة**. جلد ۶. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). **الخلاف**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ق). **الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - کلاتر)**. جلد ۵. قم: داوری.
- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۰۰ق). **القواعد و الفوائد**. جلد ۱. قم: کتابفروشی مفید.
- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق). **اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامیة**. بیروت: دار التراث - الدار الإسلامية.
- عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**. جلد ۷. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). **جامع المقاصد فی شرح القواعد**. جلد ۱۲. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- عبدی پور، ابراهیم (۱۳۹۶). «تعدد زوجات». **انتشارات حقوق اسلامی**. شماره ۲۰.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۵ق). **کنز العرفان فی فقه القرآن**. جلد ۲. قم: انتشارات مرتضوی.
- فیومی، احمد بن محمد (بی‌تا). **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر**. جلد ۲. قم: دار الرضی.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). **الجامع لاحکام القرآن**. جلد ۵. تهران: ناصر خسرو.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱). **حقوق مدنی خانواده ۵**. چاپ چهارم، جلد ۱. تهران: شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا.
- کرمی، محمدتقی و سجادی‌امین، مهدی (۱۳۸۹). «نقد و بررسی ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده». **مطالعات راهبردی زنان**، شماره ۴۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). **الکافی**. چاپ ۴، جلد ۵. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لنکرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۲۱ق). **تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - النکاح**. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۱۰ق). **بحار الأنوار**. جلد ۱۰۰. بیروت: مؤسسة الطبع و النشر.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۵). **بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن**. تهران: نشر علوم اسلامی.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶). **دانشنامه عقاید اسلامی**. جلد ۸. تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی دار الحدیث.
- مزنای، اسماعیل بن یحیی (۱۴۱۹ق). **مختصر المزنای فی فروع الشافعية**. بیروت: دارالکتب العلمیه.

- مصطفوی، سید حسن (۱۳۶۰). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، جلد ۴. تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). **مجموعه آثار استاد شهید مطهری**، چاپ هفتم، جلد ۳، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). **نظام حقوق زن در اسلام**. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). **مجموعه آثار استاد شهید مطهری**. جلد ۱۹. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). **حقوق زن و مرد از دیدگاه اسلام**. جلد اول (مبانی) با مقدمه حسین سوزنجی، تهران: دبیرخانه بینش مطهر.
- مظفر، محمد رضا (بی تا). **اصول الفقه**. جلد ۱. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- معین، محمد (۱۳۷۱). **فرهنگ فارسی**، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (بی تا). **تفسیر نمونه**. جلد ۳. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق). **کتاب النکاح**. جلد ۴. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن (۱۴۰۴ق). **جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام**. جلد ۲۹-۳۰-۳۹. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نجفی، کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر (۱۴۲۲ق). **انوار الفقاهه - کتاب النکاح**. نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- نجم، زین العابدین شمس الدین و راد، علی (۱۳۸۲). **چندهمسری در قرآن - نقد دیدگاه دکتر نصر حامد ابوزید**. معرفت. شماره ۶۷.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۲). **آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام**. مترجم: انشاءالله رحمتی. تهران: نشر جامی (سوفیا).
- نوی، یحیی بن شرف (بی تا). **المجموع شرح المذهب**. جلد ۱۶. مصر: مطبعة التضامن الاخوانی.
- هادیان رسانی، الهه (۱۳۹۸). **مقایسه دیدگاه شهید مطهری و علامه طباطبایی در مورد فلسفه و شرایط تعدد زوجات**. پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۴. به نقل از: مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). **حقوق زن و مرد از دیدگاه اسلام**. جلد سوم (ازدواج موقت و تعدد زوجات)، تهران: دبیرخانه بینش مطهر.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۲). **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام**. جلد ۱ و ۲. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- هدایت نیا، فرج الله (۱۳۹۸). **حقوق خانواده در ج.ا.ا**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- یزدی، محمد (۱۴۱۵ق). **فقه القرآن**. جلد ۳. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی (۱۴۱۹ق). **العروة الوثقی (المحشی)**. جلد ۲-۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.